

## خصوصیات و معیارهای سیاست‌های پولی در اقتصاد مقاومتی

meisavi@atu.ac.ir  
ar\_tolabi@miu.ac.ir

محمود عیسوی / استادیار گروه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی  
علیرضا طلایی / مربی جامعه‌المصطفی العالمیه  
دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳

### چکیده

یکی از وظایف بانک مرکزی، اجرای سیاست‌های پولی در جهت ثبات اقتصادی است. سیاست‌های انبساطی و انقباضی در بانکداری سنتی، با استفاده از ابزارهایی همچون عملیات بازار باز، عملیات شبه‌بازار باز، نرخ تنزیل مجدد، و نرخ ذخیره قانونی صورت می‌گیرد. در این زمینه، این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان این سیاست‌ها را در خدمت تقویت ثبات اقتصادی کشور و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی قرار داد. این مقاله، با روش تحلیلی - توصیفی، به بررسی شرایط و خصوصیات سیاست پولی بانک مرکزی، در اقتصاد مقاومتی می‌پردازد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که سیاست‌های پولی بانک مرکزی در اقتصاد مقاومتی، باید علاوه بر اسلامی بودن موجب افزایش تاب‌آوری اقتصادی شود. براین اساس، سیاست‌های مزبور باید با هدف حفظ ثبات اقتصاد ملی، تقویت شفافیت نظام مالی، تقویت پول ملی، تقویت بخش واقعی اقتصاد، رشد متوازن بخش پولی و بخش واقعی، کاهش هزینه‌ها و ایجاد صرفه تولید، افزایش سطح رفاه عمومی و تأمین مصالح عمومی طراحی و اجرا شوند.

کلیدواژه‌ها: بانک مرکزی، اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های پولی و اعتباری.

طبقه‌بندی JEL: E51, D02, E52, E58

«سیاست پولی»، فرایندی است که مقامات پولی به وسیله آن، عرضه پول را در کشور کنترل و مهار می‌کنند. این فرایند، اغلب با هدف ثبات و رشد اقتصادی، ثبات نسبی و عمومی قیمت‌ها و جلوگیری از بیکاری می‌باشد (کميجانی، ۱۳۷۴، ص ۷). اجرای سیاست پولی، به منظور ایجاد رشد و ثبات اقتصادی به عهده بانک مرکزی گذاشته شده است. بانک مرکزی برای ایجاد ثبات در اقتصاد، باید در مواقع مورد نیاز با اقدام به موقع، مناسب، دقیق و سریع، با استفاده از ابزارهای سیاست‌های پولی، اعتباری و ارزی نسبت به ثبات اقتصادی و کنترل تورم اقدام کند. بانک مرکزی در اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری خویش، از ابزارهایی همچون عملیات بازار باز، عملیات شبه‌بازار باز، تنزیل مجدد اسناد بدهی، نرخ ذخیره قانونی و کنترل کمی و کیفی اعتبارات استفاده می‌کند. برخی از این ابزارها در نظام بانکداری سنتی، مبتنی بر نرخ بهره بوده و به علاوه هم‌راستا با مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری می‌باشند. با توجه به حرمت ربا در اسلام، بررسی و بازنگری در این سیاست‌ها و ابزارها، بر اساس مبانی نظام اقتصادی اسلام که ممکن است با مبانی نظام اقتصادی غرب همخوانی نداشته و در تعارض باشد، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بازنگری در این سیاست‌ها، با توجه به شرایط خاص اقتصادی کشور و اقتضائات اقتصاد مقاومتی، ضرورتی دوچندان می‌یابد. از آنجا که اقتصاد ایران، تحت تأثیر التهابات اقتصاد جهانی و فشارها و تحریم‌های اقتصادی ناشی از خارج است، طراحی و اجرای درست سیاست‌های پولی و اعتباری، برای ایجاد رشد و ثبات اقتصادی ضروری است.

در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اصل‌های ۹ و ۱۹، ناظر به بخش پولی و بانکی است (سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، ۲۹/بهمن/۱۳۹۲). در این زمینه باید ملاحظه کرد که چگونه می‌توان سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی را در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، از جمله تقویت ثبات اقتصادی کشور قرار داد. این امر، شناسایی ویژگی‌ها، معیارها و خصوصیات سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، در اقتصاد مقاومتی و بررسی و بازنگری در سیاست‌های متعارف پولی و اعتباری بانک مرکزی، بر اساس آن معیارها و خصوصیات را ضروری می‌سازد. این پژوهش، با روش تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، با بررسی اقتصاد مقاومتی، اصول و سیاست‌های آن و سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، به دنبال کشف و احصاء خصوصیات و معیارهایی برای ابزارهای سیاست‌های پولی و اعتباری در اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

### پیشینه تحقیق

در زمینه ابزارها و سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی و سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی و بیان مباحث فقهی مربوط کتب و مقالاتی در این عرصه نگاشته شده که به برخی از آنها به ترتیب تاریخ انتشار اشاره می‌شود: *توتونچیان (۱۳۷۵)* در کتاب *اقتصاد پول و بانکداری*، به سیاست‌های پولی و تجربیات آن در ایران پرداخته و به مباحث اسلامی نیز اشاره‌ای داشته است. همچنین، *موسویان (۱۳۷۷)* در مقاله «بررسی فقهی - اقتصادی بازار اقتصادی ثانویه سپرده‌های مدت‌دار در بانکداری بدون ربا»، با بیان نظریه سپرده‌های انتقال‌پذیر و بیان مزیت امکان

خرید و فروش آن در بازار ثانویه نتیجه می‌گیرد که بانک مرکزی می‌تواند از آن به‌عنوان ابزاری برای اجرای سیاست پولی اسلامی استفاده کند. چنان‌که *فراهانی‌فرد (۱۳۷۸)*، در کتاب *سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا*، به بررسی فقهی - اقتصادی بانک مرکزی، سیاست‌ها و ابزارهای آن پرداخته است. در این میان، *فرجی (۱۳۸۰)*، در مقاله «بررسی تطبیقی کارایی ابزارهای سیاست پولی در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول»، به ابزارهای سیاست پولی در بانکداری متعارف، ابزارهای سیاست پولی در بانکداری اسلامی و بررسی عملکرد سیاست پولی در بانکداری اسلامی پرداخته است. همچنین، *مهدویان (۱۳۸۰)*، در مقاله «ابزارهای سیاست پولی در نظام بانکداری اسلامی»، با بیان ابزارهای سیاست پولی در نظام بانکداری اسلامی ایران پرداخته است. چنان‌که *موسویان (۱۳۸۰)*، در مقاله «مشارکت مجدد، جایگزین تنزیل مجدد»، پیشنهاد ابزار مشارکت مجدد به‌جای تنزیل مجدد را می‌دهد. البته *نظریور (۱۳۸۴)*، در مقاله «اوراق بهادار استصناع ابزاری برای اعمال سیاست پولی»، با بیان فقهی عقد استصناع، اوراق استصناع را به‌عنوان جایگزین اوراق قرضه معرفی و پیشنهاد می‌دهد. *داودی و مصصامی (۱۳۸۸)*، در کتاب *اقتصاد پول و بانکداری*، به بانک مرکزی و سیاست‌های پولی، اهداف و ابزارها پرداخته‌اند.

*موسویان (۱۳۸۸)*، در مقاله «صکوک مباحه ابزاری برای بازار پول و سرمایه اسلامی»، به بررسی فقهی و انطباق آن با موازین اسلامی و اقتصادی می‌پردازد. در همین راستا، *نظریور و موسویان (۱۳۹۳)*، در کتاب *بانکداری بدون ربا از نظریه تا تجربه*، به بانک مرکزی و سیاست پولی در نظام اقتصادی اسلام و چالش‌های بانکداری بدون ربا پرداخته است. چنان‌که *ایروانی (۱۳۹۳)*، در کتاب *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، به مبانی فقهی اقتصاد اسلامی پرداخته است. همچنین *ایروانی (۱۳۹۴)*، در کتاب *پول و بانکداری اسلامی*، به بیان بهره و ربا، مسئله جبران کاهش ارزش پول و بانکداری اسلامی پرداخته که نیاز به مباحث تکمیلی بانک مرکزی دارد. همچنین *موسویان و میثمی (۱۳۹۶)*، در کتاب *بانکداری اسلامی (۲)*، به مباحث اقتصادی و فقهی بانک مرکزی اسلامی و سیاست‌گذاری پولی و ارزی پرداخته است. به نظر می‌رسد، این پژوهش کامل‌ترین منبع در موضوعات فقهی مرتبط با بانک مرکزی می‌باشد.

این کتب و برخی مقالات، به موضوعات فقهی - بانکی و فقه بانک مرکزی پرداخته و سعی در ارائه طریق برای اسلامی نمودن عقود بانک مرکزی نموده‌اند، ولی به بررسی ابزارهای سیاست پولی و اعتباری با رویکرد اقتصاد مقاومتی نپرداخته‌اند. در این مقاله، سعی شده به استخراج و بیان معیارهای این ابزار بانک مرکزی، بر اساس اصول و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته شود که قبلاً در این عرصه کاری صورت نگرفته است.

### سیاست‌های پولی و ابزارهای آن

بانک مرکزی بانک وابسته به حاکمیت (دولت) یا تحت کنترل حاکمیت است که مسئولیت‌هایی چون انتشار اسکناس و مسکوک (پول رایج)، نگهداری ذخایر داخلی و خارجی حاکمیت، مدیریت عرضه و تقاضای منابع در بازار پول، اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری، تعیین ذخایر قانونی، نگهداری سپرده‌های بانک‌ها و به‌عنوان بانک‌ها آخرین ملجأ و پناهگاه بانک‌ها در تأمین منابع وام می‌باشد (پالگریو، ۲۰۱۳، ج ۲، ص ۸۶ به نقل از موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص ۸).

«سیاست‌های پولی» عبارت است از، فرایندی که به‌وسیله آن، مقامات پولی و اعتباری اغلب با هدف جلوگیری از نوسانات اقتصادی، ایجاد ثبات و رشد اقتصادی، پایداری و ثبات نسبی قیمت‌ها و کاهش بیکاری با تنظیم نرخ بهره عرضه پول را کنترل و مهار می‌کنند. در واقع، سیاست پولی استفاده مقامات پولی از ابزارهای پولی، در جهت نیل به اهداف اقتصادی، از طریق تغییرات عرضه پول و تغییر در انتظارات مردم، درباره نرخ بهره می‌باشد (کمپجانی، ۱۳۷۴، ص ۳). چنان که در تعریف دیگری آمده است: «سیاست‌های پولی به مجموعه تصمیم‌ها و تدابیری گفته می‌شود که از سوی بانک مرکزی برای به کنترل درآوردن حجم پول و اعتبار اتخاذ می‌شود» (فراهانی‌فره، ۱۳۷۸، ص ۴۸).

سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، به‌وسیله ابزار مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شود. ابزار مستقیم، به عملیات بازار باز، عملیات شبه‌بازار باز، نرخ ذخیره قانونی، عملیات دریچه تنزیل و سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی تقسیم می‌شود (آریا، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷). ابزار غیرمستقیم نیز به کنترل نرخ‌های سود بانکی، تعیین سقف اعتباری و سایر ابزار دستوری قابل تقسیم است (قانون عملیات بانکی بدون ربا، ۱۳۶۸). کارکرد اغلب ابزارهای مستقیم، سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی در اقتصاد متعارف، بر اساس نرخ بهره بوده که در شریعت اسلام ربا دانسته شده و حرام می‌باشد. در جمهوری اسلامی ایران، طبق قانون عملیات بانکداری بدون ربا، استفاده از این ابزار جهت اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، با استفاده از ابزارهای مبتنی بر عقود اسلامی بلا مانع شمرده شده است (همان).

### اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با اقتصاد اسلامی

برای بحث از معیارهای سیاست پولی و اعتباری در اقتصاد مقاومتی، ابتدا باید برداشت مشخصی از مفهوم «اقتصاد مقاومتی» و نسبت آن با اقتصاد اسلامی داشت. پس از ارائه این مفهوم، می‌توان اقدام به نسبت‌سنجی بین اقتصاد مقاومتی و سیاست پولی پرداخت.

### مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی

واژه و اصطلاح «اقتصاد مقاومتی»، اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری مطرح شد. ایشان این اصطلاح را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی نموده و دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» نیز علت نیاز اساسی کشور به کارآفرینی معرفی نمودند (مقام معظم رهبری، ۱۶/شهریور/۸۹، khamenei.ir). برای اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» در مدت‌زمان کوتاهی، تعاریف متعدد و متفاوتی ارائه شده که با جنبه‌های متفاوت به این موضوع پرداخته‌اند. می‌توان گفت: جامع و کامل‌ترین تعریف از اقتصاد مقاومتی توسط رهبری ارائه شده است. ایشان، در دیدار با دانشجویان فرمودند:

اقتصاد مقاومتی؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد (مقام معظم رهبری، ۰۳/مرداد/۹۱). ... در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند (مقام معظم رهبری، ۰۱/فروردین/۹۲).

## رابطه اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی

در زمینه گستره اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با اقتصاد اسلامی، انگاره‌ها و اندیشه‌های متفاوتی مطرح است. برخی، اقتصاد مقاومتی را همان اقتصاد اسلامی نمی‌دانند و انگاره رقیب را هم به چالش می‌کشانند؛ «اگر مقصود مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی همان نظام اقتصادی اسلام بود، وجهی نداشت که به جای تأکید بر تحقق نظام اقتصادی اسلام و بیان ویژگی‌های آن از اصطلاح اقتصاد مقاومتی استفاده کرده و بر تحقق آن تأکید نمایند» (میرمعزی، ۱۳۹۱). بدین دلیل که «اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری باید در ظرف اقتصاد اسلامی تفسیر شود؛ زیرا وی در بیانات متعددی به ضرورت در نظر گرفتن مبانی، ارزش‌ها و دستورهای اسلامی در علوم انسانی و ازجمله علم اقتصاد و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأکید کرده است» (همان). ایشان به دنبال اثبات این هستند که از دیدگاه مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی، شکل منحصر به فردی از نظام اقتصادی اسلام می‌باشد که در وضعیت تهدید و حمله همه‌جانبه اقتصادی که کبان و وجود نظام اسلامی را به مخاطره می‌اندازد، ایجاد می‌شود. در نظام اقتصادی اسلام، در وضعیت اقتصاد مقاومتی، با تغییر در اولویت‌ها و اهداف و به دنبال آن در سیاست‌های کلان، اصول راهبردی و حاکمیتی، روحیه جهادی بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم حاکم می‌شود، به طوری که تهدید را تبدیل به فرصت و موجب جهش در رشد کشور می‌شود (همان).

برخی، اقتصاد مقاومتی را برون‌داد اقتصاد اسلامی می‌دانند: «هدف نظام اقتصاد اسلامی در سطح کلان افزایش ثروت جامعه و ایجاد «رفاه عمومی» است. با این نگاه، می‌توان گفت: «اقتصاد مقاومتی» محصول اقتصاد اسلامی است که در شرایط بروز نامالایمات، حوادث، بحران‌ها یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار، به تخصیص بهینه منابع می‌پردازد. از این رو، اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی است؛ زیرا اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصاد را توأمان دارد و از نهادهای اقتصادی و اجتماعی مناسب هم بهره‌مند می‌شود» (اسدی، ۱۳۹۳). در همین راستا، برخی به لزوم اقتصاد مقاومتی بودن اقتصاد اسلامی و اینکه اقتصاد مقاومتی، محصول اقتصاد اسلامی است، قائل شده‌اند:

اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی است؛ زیرا مکتب اقتصادی در اسلام همواره انسان را به صبر و استقامت توصیه می‌کند به طوری که مقاومت به‌عنوان تکلیف در جنگ، دفاع و در همه سختی‌ها از جمله بحران‌های اقتصادی، کمبودها و نیازمندی‌های ملی می‌باشد که در این مکتب انگیزه برای ساختن انسان مقاوم وجود دارد؛ زیرا دنیا به‌عنوان مزرعه آخرت مطرح شده و حیات واقعی و ابدی در جهان آخرت است و بزرگ‌ترین پاداش بندگی به صبر است و خلاصه اینکه اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است و اقتصاد اسلامی، ظرف مناسبی برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است (گرمایی، ۰۹/خرداد/۹۶).

برخی دیگر، اقتصاد مقاومتی را نسخه معاصر نظام اقتصاد اسلامی دانسته‌اند (عبدالملکی، ۲۴/اردیبهشت/۹۷). چنان که برخی، اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان الگوی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام، برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و مقاوم‌ساز و زمینه‌ساز رشد تلقی کرده‌اند (یوسفی، ۲۴/اردیبهشت/۹۷). برخی نیز اقتصاد مقاومتی را الگوی عملیاتی اقتصاد اسلامی در راستای نیل به امنیت و ثبات می‌دانند (توکلی، ۱۳۹۵).

می‌توان از برابری نظرات مذکور، این‌گونه نتیجه گرفت: اول، این‌گونه نیست که گفته شود اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد اسلامی است و تفاوت در تعبیر است. ثانیاً، اقتصاد مقاومتی یک مفهوم خاص و اقتصاد اسلامی، یک مفهوم عام است که شامل اقتصاد مقاومتی نیز می‌شود. بدین معنی که اقتصاد مقاومتی به یقین اقتصاد اسلامی است، یا به عبارت بهتر، اقتصاد مقاومتی نسخه‌ای تاب‌آور و خاص از اقتصاد اسلامی است. البته می‌توان گفت: با قطع نظر از دیدگاه اندیشمندان اقتصادی و با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب، می‌توان گفت: اقتصاد مقاومتی با توجه به مکان جغرافیایی اجرای این ایده یعنی کشور جمهوری اسلامی ایران، یقیناً نسخه‌ای تاب‌آور و خاص از اقتصاد اسلامی است و همان اقتصاد اسلامی، با شرایط خاص مذکور در تعاریف می‌باشد. اما اگر به‌عنوان یک ایده و طرح در مقاوم‌سازی اقتصاد از آسیب‌ها، با قطع نظر از محدوده اجرا و جغرافیایی خاص در نظر بگیریم، همان مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر آسیب‌های بیرونی و درونی، دارای سرمنشأ از خارج می‌باشد. در این صورت، منحصر به این مرزوبوم نشده، نسخه شفابخشی برای تمامی کشورهای خواهان استقلال می‌باشد. در این صورت، اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی، دارای رابطه‌ی عموم و خصوص من وجه است که وجه اشتراک آن، در اقتصاد مقاومتی ایران اسلامی و وجوه افتراق آن، به ترتیب اقتصاد مقاومتی (تاب‌آور) در کشورهای غیراسلامی و اقتصاد اسلامی با شرایط عدم احتمال تحریم و تهدید می‌باشد. می‌توان در تأیید این نظر، به سخنان رهبر معظم انقلاب استناد کرد که می‌فرماید: گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها با تکان‌های شدید اقتصادی، که در دنیا به وجود آمده هر کشوری بنا به شرایط خاص خودش، به دنبال مقاوم‌سازی در اقتصاد خویش برآمدند. خیلی از کشورها درصد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاوم‌سازی کنند. به تعبیری، همین اقتصاد مقاومتی را به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق ببخشند (مقام معظم رهبری، ۳۰/اسفند/۹۲).

بنابراین، هر سیاست و اقدام اقتصادی در صورتی در راستای اقتصاد مقاومتی است که اولاً، تاب‌آور باشد؛ به‌گونه‌ای که برای تمامی شرایط طراحی و برنامه‌ریزی شده باشد و در مقابل بحران‌های اقتصادی و تهدیدهای اقتصادی ناشی از خارج، کارایی خویش را حفظ نموده و به مسیر خود، در نیل به چشم‌انداز و اهداف تعیین شده در نظام اقتصادی ادامه دهد. ثانیاً، مطابق با احکام و مبانی نظام اقتصادی اسلام بوده و از حریم و قوانین اسلام تعدی و تجاوز ننماید. در واقع، تاب‌آوری و اسلامی بودن دو شرط اقتصاد مقاومتی است.

### زمینه بحث از سیاست پولی و اعتباری در اقتصاد مقاومتی

در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، دو گونه ارجاع به سیاست‌های پولی اعتباری بانک مرکزی وجود دارد: از یک جهت، در تمامی بندهای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به «ثبات اقتصادی» اشاره شده که تحت تأثیر سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی قرار دارد. این ثبات، ثمره‌ی رصدی در پی بانک مرکزی از اقتصاد و اتخاذ سیاست‌های پولی و اعتباری درست و به‌موقع می‌باشد. اما باید به بندهای نهم و نوزدهم این سیاست‌ها، به‌صورت خاص ناظر به بانک مرکزی و کارکردهای سیاستی آن اشاره کرد. از نگاه یکی از رؤسای پیشین بانک مرکزی، این دو بند، بیشترین ارتباط را با بانک مرکزی و سیاست‌های پولی و اعتباری دارند (سیف، ۱۸/دی/۱۳۹۵).

لازمه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بندهای اول، دوم، سوم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، سیزدهم، نوزدهم، بیست و دوم و بیست و سوم، این است که بانک مرکزی به سرعت با اتخاذ سیاست‌های انقباضی و انبساطی مناسب و به‌موقع، در جهت اجرای دقیق و صحیح سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و با هدف تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها، تثبیت نرخ برابری پول داخلی، نسبت به ارزش‌های خارجی و حفظ ارزش پول داخلی، افزایش تولید داخل و افزایش اشتغال، حمایت از صادرات، کنترل تورم و رکود، همگام با نهادهای دیگر گام بردارد.

در این میان، بندهای نهم و نوزدهم این سیاست‌ها به‌صورت خاص، به شکلی ویژه به بانک مرکزی و سیاست‌های پولی و اعتباری مرتبط است. در این دو بند سیاستی، «اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی» (بند نهم) و «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...» (بند نوزدهم) مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل این دو بند، می‌تواند به تبیین و تحلیل اهداف سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی در اقتصاد مقاومتی کمک کند.

### اهداف سیاست‌های پولی و اعتباری در اقتصاد مقاومتی

بررسی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بخصوص بند نهم و نوزدهم، حاکی از معیارهایی در مورد اهداف سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، در اقتصاد مقاومتی است.

۱. ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی (بند نهم): «ثبات اقتصاد کلان» به‌عنوان هدف نهایی و عملیاتی پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در کشور تعیین شده است که «مهار تورم» و «حفظ رشد پایدار اقتصادی»، دو سنجه مهم در حصول به این هدف اصلی به‌شمار می‌آید و پیش‌نیازهای اساسی برای فراهم‌سازی شرایط «ثبات اقتصاد کلان» و به‌تبع آن، پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در کشور، شروط سه‌گانه «حفظ پایداری بودجه دولت»، «تأمین پایداری بخش خارجی اقتصاد» و «ثبات مالی»، همراه با در نظر داشتن ارتباط متقابل هر سه موضوع، می‌باشد (سیف، ۱۳۹۵/دی/۱۸) که به‌صورت جدول زیر خلاصه می‌گردد.

اهداف سیاست‌های پولی و اعتباری در اقتصاد مقاومتی

ثبات اقتصاد کلان			هدف اصلی، نهایی و عملیاتی
حفظ رشد پایدار اقتصادی		ثبات قیمتی و مهار تورم	اهداف میانی یا سنجه‌های حصول هدف نهایی
ثبات مالی	پایداری بخش خارجی	حفظ پایداری بودجه	پیش‌نیازهای فراهم‌سازی شرایط

۲. شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و غیره (بند نوزدهم)، امر مهم نظارت بر اجرای صحیح سیاست‌های پولی و بخصوص سیاست‌های اعتباری بانک مرکزی، نقش بسیار بزرگی در شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد داشته و از زمینه‌های فساد در حوزه پولی و سایر حوزه‌ها جلوگیری می‌کند. راهبرد بانک مرکزی برای عملیاتی کردن وظایف خود، در چارچوب سند کلی

اقتصاد مقاومتی، در جهت کاهش آسیب‌پذیری یک نظام اقتصادی، در مواجهه با شوک‌ها و عوامل ناپایدارکننده، به‌عنوان مهم‌ترین وجه پذیرفته شده از رویکرد «اقتصاد مقاومتی» است (سیف، ۱۸/دی/۱۳۹۵).

۳. اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور، با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی (بند نهم)؛ ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و تقویت بخش واقعی در اقتصاد، نیاز به سیاست‌های پولی مناسب و به‌موقع بانک مرکزی، در جهت تثبیت نقدینگی و ثبات پول ملی و اقتصاد داشته و از سوی دیگر، برای تقویت بخش واقعی، شناخت صحیح از بخش‌های واقعی و سیاست اعتباری درست در جهت تقویت بخش واقعی، در رفع نیازهای پولی و اعتباری آنان، می‌تواند موجبات اصلاح و تقویت نظام مالی کشور را فراهم آورد (سیف، ۱۸/دی/۱۳۹۵).

### شرایط دوگانه سیاست پولی و اعتباری در اقتصاد مقاومتی

با بررسی سیاست‌هایی اقتصاد مقاومتی و اقتضائات سیاست پولی و اعتباری، می‌توان بین دو شرط اسلامی بودن و مقاومتی بودن این سیاست‌ها تفکیک کرد. اسلامی بودن سیاست‌های پولی و اعتباری، ناظر به مطابقت با ضوابط و مقررات شرعی و اهداف و مبانی اسلامی است. مقاوم‌سازی اقتصادی و تقویت تاب‌آوری اقتصادی نیز دومین شرط سیاست‌های پولی و اعتباری در اقتصاد مقاومتی است. هرچند مطابقت سیاست‌های مزبور، با ضوابط و اهداف اسلامی، به تقویت مقاومت اقتصادی کمک می‌کند، طراحی سیاست‌ها به گونه‌ای که در راستای مقاوم‌سازی باشد نیز از اهمیت برخوردار است.

### شرط اسلامی بودن سیاست‌های پولی و اعتباری

چنان‌که گفته شد، «اسلامی بودن» نیز از جمله شروط مقاومتی بودن هر برنامه و سیاست اقتصادی است. براین اساس، به بررسی خصوصیات و محدودیت‌های اسلامی در بخش سیاست‌های پولی می‌پردازیم. این مهم، در دو مبحث تطابق سیاست‌های پولی و اعتباری با احکام و قوانین فقهی اسلامی و مطابقت با اهداف و مبانی نظام اقتصادی اسلامی، به سامان می‌رسد.

### الف. مطابقت با احکام و قوانین فقهی اسلام

رعایت قوانین و قواعد فقهی اسلام، از شرایط اسلامی بودن یک سیاست اقتصادی می‌باشد. با مراجعه به کتب فقهی و اقتصادی، می‌توان به ربوی، ضرری و غرری و لزوم اکل مال به باطل بودن، به‌عنوان قواعد و احکام فقهی مرتبط با سیاست‌های پولی و بانکی اشاره کرد.

### ۱. ربوی نبودن سیاست‌ها و ابزارهای پولی و اعتباری

با توجه به حرمت ربای قرضی و بطلان قراردادهای مبتنی بر قرض با زیاده، به بررسی ابزارهای سیاست‌های پولی و اعتباری، با دغدغه احتمال رسوخ و پیدایش شائبه وجود ربای حرام می‌پردازیم.



الف. ربا در عملیات بازار باز و شبه‌بازار باز: مقصود از عملیات بازار باز، خرید و فروش اوراق قرضه دولتی، توسط بانک مرکزی است. زمانی که بانک مرکزی قصد سیاست پولی انبساطی دارد، با خرید اوراق قرضه دولتی از مردم و بانک‌های تجاری، پول وارد جامعه می‌کند. زمانی که قصد سیاست انقباضی داشته باشد، با فروش اوراق قرضه دولتی به مردم و بانک‌های تجاری، اقدام به جمع‌آوری پول از جامعه می‌کند. از آنجاکه ماهیت اوراق قرضه، قرض با بهره و ریاست، هر نوع معامله مترتب بر آنها نیز حرام خواهد بود. بنابراین، عملیات بازار باز مشکل فقهی خواهد داشت. در «عملیات شبه‌بازار باز» نیز که معمولاً از دو نوع اوراق دولتی و اوراق بانک مرکزی استفاده می‌شود، اگر بر اساس اوراق قرضه دولتی یا بانک مرکزی باشد، خرید و فروش آن با زیاده، ربا و حرام می‌باشد. البته می‌توان با طراحی اوراق بهادار مشروع، مانند اوراق مشارکت سرمایه‌گذاری و اوراق استصناع به عملیات بازار باز و عملیات شبه‌بازار مشروع اقدام کرد (نظریور، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵-۱۷۰).

ب. ربا در عملیات درپچه تنزیل: در عملیات درپچه تنزیل، بانک‌های تجاری اسناد مالی (سفته و برات) مدت‌دار مشتریان را تنزیل می‌کنند. بانک‌ها، اسناد مذکور را نزد بانک مرکزی تنزیل مجدد کرده، از منابع پولی آن در اعطای تسهیلات جدید استفاده می‌کنند. بانک مرکزی، از طریق این تنزیل، علاوه بر به‌کارگیری سودآور منابع بانک، از طریق تغییرات نرخ تنزیل مجدد، اقدام به تنظیم سیاست پولی و تعدیل قدرت اعطای تسهیلات بانک‌ها می‌کند (موسویان، ۱۳۸۰). اگر افراد، اسناد تجاری را به بانک بفروشند، بانک‌ها نیز اسناد را جمع‌آوری کرده، به‌طور واقعی نزد بانک مرکزی تنزیل می‌کنند و بانک مرکزی مالک اسناد بدهی خواهد بود. در این صورت، عملیات تنزیل مجدد ماهیت خرید و فروش دین به شخص ثالث، به کمتر از مبلغ اسمی پیدا می‌کند و بر اساس مصوبه شورای نگهبان و به فتوای مشهور فقهای شیعه جایز است (همان).

ج. ربا در عملیات نرخ ذخیره قانونی: بر اساس قوانین بانکی، بانک‌ها باید درصدی از موجودی اشخاص در سپرده‌های دبداری و غیردبداری را نزد بانک مرکزی به‌عنوان سپرده قانونی ذخیره کنند. این ابزار، علاوه بر ایجاد امنیت برای سپرده‌ها، با تأثیر سریع بر حجم تسهیلات بانکی، یکی از مهم‌ترین اهرم‌ها برای اجرای سیاست پولی، در جهت کنترل میزان تسهیلات می‌باشد (کشاورزبان پیوستی، ۱۳۸۳، ص ۴۷). در بانکداری متعارف، سپرده قانونی ماهیت قرض دارد و به مالکیت بانک مرکزی درمی‌آید و بانک مرکزی حق مطلق تصرف در آنها را دارد (موسویان و رضازاده، ۱۳۹۶، ص ۱۳۶). از نظر فقهی، بانک مرکزی اگر بهره‌ای به سپرده‌ها پرداخت نکند، از جهت فقهی جایز، در غیر این صورت در بانک خصوصی، زمانی که آن را در بانک مرکزی سپرده قانونی می‌گذارد، از مالکیت بانک خصوصی خارج و به مالکیت بانک مرکزی درآمده و پرداخت زیاده و بهره، ربا و حرام است. اما در بانک‌های دولتی، زمانی که بانک نزد بانک مرکزی که هر دو دولتی‌اند، سپرده می‌گذارد، گویا فردی از یک فعالیت اقتصادی متعلق به خودش، به فعالیت دیگرش قرض داده و در واقع، در این صورت اصلاً قرضی در کار نیست، بلکه انتقال دارایی از فعالیتی به فعالیت دیگر است (موسویان و نظری، ۱۳۹۲).

د. ربا در عملیات سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی: مقدار ذخایر به دو جزء «ذخایر قانونی»، برابر با نرخ ذخیره

قانونی ضرب در مقدار سپرده‌ها و «ذخایر اضافی»، همان ذخایر مازادی است که بانک‌ها خود تمایل به نگهداری آن دارند، تقسیم می‌شود. این ذخایر اضافی، جهت تضمین برای «برداشت سپرده‌ها» توسط صاحبان آن می‌باشد. هزینه نگهداری این ذخایر، هزینه فرصت آنهاست (میشکین، ۱۳۹۰، ص ۱۹۲). بنابراین، چون ماهیت سپرده ویژه نزد بانک مرکزی، همانند ماهیت سپرده مردم نزد آنها و به صورت قرض می‌باشد، با سپرده‌گذاری، سپرده‌ها به مالکیت بانک مرکزی درمی‌آید. بانک مرکزی حق هر نوع تصرفی در آنها را دارد. روشن است مادامی که در برابر سپرده‌ها سود پرداخت نکنند، مشکل شرعی ندارد؛ ولی اگر سود پرداخت شود، همان مباحث مطرح در خصوص بانک‌های دولتی و خصوصی در اینجا نیز مطرح می‌گردد (موسویان و نظری، ۱۳۹۲).

هر با در کنترل نرخ‌های سود بانکی، سقف اعتبار؛ بانک مرکزی می‌تواند از طرق مختلف به کنترل کمی و کیفی نرخ‌های سود بانکی، سقف اعتبار و تسهیلات بانکی، مانند تعیین سهم هر یک از بخش‌های اقتصادی از تسهیلات بانکی، تعیین سهم هر یک از زیربخش‌ها، قراردادهای و تعیین سقف اعتباری هر فرد حقیقی و حقوقی، تعیین حداقل و حداکثر نرخ‌های کارمزد، حق‌الوکاله، سود واقعی، سود انتظاری برای بخش‌ها و قراردادهای مختلف و تعیین انواع امتیازات و اولویت‌ها برای بخش‌ها و قراردادهای مختلف اقدام کند. جای بحث قرض و شائبه ربا، در این امور نمی‌رود. بانک مرکزی، مجاز به تصویب و اعمال چنین مقرراتی، با رعایت مصالح عمومی کشور از جهت فقهی خواهد بود (موسویان و رضازاده، ۱۳۹۶، ص ۱۹۹).

## ۲. ضروری نبودن سیاست‌ها و ابزارهای پولی و اعتباری

یکی دیگر از ضوابط و قواعد کلی فقهی، در معاملات نفی ضرر و اضرار است. به طوری که شارع مقدس، فقط معاملات و مبادلاتی را که مفاد و اطلاق آنها موجب اضرار و ضرر نگردد تأیید و در غیر این صورت، یا حکم به بطلان آن نموده و یا آن را مقید می‌کند. بنابراین، در اسلام هیچ حکم ضروری وجود ندارد. حال سیاست‌های پولی انبساطی، به وسیله بعضی از ابزارها در بعضی از شرایط ممکن است، منجر به تورم و کاهش ارزش پول ملی و اضرار به اقشار آسیب‌پذیر جامعه گردد. بانک مرکزی، در اعمال و اجرای این سیاست‌های پولی و اعتباری، باید از ابزار و سیاست‌هایی استفاده کند که موجب اضرار به دیگران نباشد؛ مگر اینکه ضرورت اقتضا کند. چنان که اگر ناگزیر به اضرار به گروهی در اعمال این سیاست گردید، باید ضرر زدن به دیگران با رعایت اولویت و به قصد دفع مفسده و ضرر از جامعه اسلامی و سطح عموم افراد جامعه باشد. مراعات این قاعده، از مبانی مسلم دین اسلام بوده و رعایت آن، در تمامی سیاست‌های اجرایی نظام مالی و پولی از طرف بانک مرکزی لازم است.

## ۳. غرری نبودن سیاست‌ها و ابزارهای پولی و اعتباری

بر اساس مفاد قاعده نفی‌غرر، هر نوع معامله یا قراردادی که غرر در آن اتفاق افتد، عقلاً و شرعاً باطل و از آن نهی شده است. با عنایت به اینکه در بانکداری اسلامی از عقود مختلف اسلامی استفاده می‌گردد، باید در آنها شائبه غرر نباشد. برخی اندیشمندان، با جمع‌بندی نظرات فقها می‌فرمایند: معنای «خطر» در حدیث با مسئله تنظیم امور معاملات مردم،

از ناحیه شارع تناسب بیشتری دارد (موسویان و رضازاده، ۱۳۹۶، ص ۴۵). با این توضیح، در نظام پولی و اعتباری بانک مرکزی نیز باید عدم غرر مدنظر قرار گرفته و از به‌کارگیری قراردادهای و عقود دارای شائبه غرر در مشارکت دادن، جذب سرمایه‌گذاری و در استفاده از ابزارهای مناسب، جهت اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری پرهیز نمود.

#### ۴. لزوم احتراز از اکل مال به باطل در ابزارهای پولی و اعتباری

از قواعد فقهی حاکم بر معاملات، عقود و مبادلات قاعده لزوم احتراز از اکل مال به باطل می‌باشد. «اکل مال به باطل»، از نظر آیات و روایات و همچنین، مطابق فقه اسلامی، حرام شمرده شده و این ضابطه کلی است (همان، ص ۴۷). حکم حرمت اکل مال به باطل و ممنوعیت مصادیق آن، شامل حوزه بانکی و پولی نیز می‌شود. تخصیص و توزیع پول و اعتبار، یکی از سیاست‌های اصلی سیستم بانکی است. بانکداری اسلام، با جایگزینی عقود دیگر به‌جای قرارداد قرض، در تخصیص و توزیع منابع، مشکل را از سیستم بانکی حل نموده است. در این میان، بانک مرکزی که بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری را رهبری و کنترل می‌کند، به‌ناچار باید در تعاملات مالی و اعتباری با ایشان، از عقود و قراردادهایی استفاده کند که ابزارها و سیاست‌های اجرای آنها، مصادیقی از اکل مال به باطل نباشد.

#### ب. مطابقت با اهداف و مبانی نظام اقتصادی اسلام

هر سیاست و اقدام اقتصادی، در صورتی اسلامی است که اهداف و مبانی نظام اقتصادی اسلام را لحاظ کرده و بر آن اساس، طراحی و اجرا گردد. مبانی و اهداف سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی در اسلام، با رجوع به منابع اسلامی و واکاوی و نقد مبانی اقتصاد سرمایه‌داری، حاصل می‌شود. در این میان، «عدالت اجتماعی و اقتصادی»، «رفاه جامعه» و «مصلح جامعه اسلامی» را به‌عنوان مهم‌ترین اهداف و مبانی نظام اقتصادی اسلام، مرتبط با سیاست‌های پولی و بانکی، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱. عدالت اجتماعی و اقتصادی در سیاست‌های پولی و اعتباری

امام علی علیه السلام در سخنانشان به عدل اشاره دارند: «عدل هر چیزی را در جایگاه ویژه خود قرار می‌دهد» (نهج البلاغه، قصار ۴۳۷). بر اساس مشهورترین تعریف، عدالت همان «اعطاء کل ذی حق حقه» است. عدالت اجتماعی، یعنی قدر و منزلت هرکسی را شناختن و با وضع مناسب با وی رفتار کردن (سبزواری، ۱۳۷۵، ص ۵۴). هدف در عدالت اجتماعی، تأمین ابعاد مختلف مادی و معنوی نیازمندی‌های انسان، در سیر تکاملی تا رسیدن به آرمان‌های بلند سیر و سلوک الهی است (موسوی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۹). عدالت اقتصادی، به‌معنی «دادن حق هرکسی از ثروت و درآمدهای آن جامعه»، یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام می‌باشد (میرمعزی، ۱۳۹۳، ص ۳۳-۳۴). همه دیدگاه‌های موجود، عدالت را عمل و رفتار انسان و حکومت‌ها بر مدار حق دانسته‌اند. لذا عدالت اقتصادی را مراعات حقوق اقتصادی، در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی می‌دانند (یوسفی، ۱۳۸۴).

بانک مرکزی، در شرایط غیرعادی و حتی عادی اقتصادی، در جهت بهینه‌سازی فضای اقتصادی، می‌تواند با

اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری متناسب و به‌موقع، با استفاده از ابزارهای مناسب و کارا، نقش بسیار مهمی در مراعات عدالت اقتصادی و اجتماعی در کشور داشته باشد. بانک مرکزی، به‌عنوان تنها نهاد سیاست‌گذار در امر پولی، با وضع و اجرای سیاست مناسب پولی و اعتباری دقیق و به‌موقع، نظارت بر بانک‌های عامل و رصد کردن مرتب و دقیق شاخص‌های اقتصادی، پولی و بانکی در کشور، بخصوص در دو مسئله افزایش پایه پولی، توسط بانک مرکزی و خلق پول، توسط سیستم بانکی، در نزدیک کردن جامعه به عدالت اجتماعی و اقتصادی و یا ایجاد فاصله میان اقشار جامعه، از عدالت اجتماعی و اقتصادی نقش دارد. در اینجا، بررسی رابطه بین ابزارها و سیاست‌های پولی و اعتباری با عدالت ضروری است.

بانک مرکزی، با اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری متناسب با سیاست‌های مالی، می‌تواند در شرایط مقتضی و مناسب نسبت به افزایش و کاهش نقدینگی و اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری اقدام نموده و اقتصاد را به سوی رشد و ثبات هدایت کند. اقتصاددانان، استفاده از ابزارهای غیرمستقیم را در این جهت کم‌هزینه‌تر دانسته و از ابزارهای مختلف، برای خنثی‌سازی آثار ابزارهای دیگر استفاده می‌کنند. استفاده از این ابزارها، دارای تبعات و آسیب کمتری نسبت به افزایش و کاهش پایه پولی در جامعه بوده و مورد اقبال بیشتری در سیستم بانکی و پولی کشور می‌باشد. این ابزارها می‌توانند با کنترل نقدینگی و به‌تبع آن، کنترل تورم در جامعه، نقش بسیار زیادی در ایجاد ثبات اقتصادی و تقویت عدالت اقتصادی در جامعه داشته باشند. بنابراین، سیاست‌های پولی و اعتباری در برقراری و تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه، به‌عنوان ایجادکننده تعادل در اقتصاد، در کوتاه‌مدت و بلندمدت، دارای نقش غیرقابل‌انکار و مهمی می‌باشد. اقتصاد اسلامی که به عدالت به‌عنوان یکی از مبانی مهم نظر دارد، نسبت به عوامل و علل پولی، از جمله سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی که عاملی بسیار مهم در تعادل اقتصادی و ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌باشد، حساس بوده و به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار نگاه می‌کند.

## ۲. رفاه جامعه در سیاست‌های پولی و اعتباری

«رفاه اجتماعی» عبارت است از: مجموعه شرایطی که در آن خوشنودی انسان در زندگی مطرح است. بنابراین، رفاه اجتماعی به مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی گفته می‌شود که نیازهای فردی، جسمی، روانی و اجتماعی آحاد جامعه را تأمین کرده و در همه مردم احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به وجود آورد (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱، ص ۱۶). شاید بتوان گفت: رساترین قول در مسئله رفاه توسط «چپرا» نقل شده است که می‌گوید: «به دور از انصاف است اگر دولت اسلامی را دولت رفاه نامیم؛ چراکه شواهد و قراین از آیات و روایات و متون اندیشمندان مسلمان، در باب تأمین رفاه جامعه اسلامی فراوان یافت می‌شود» (فراهانی‌فرد و کشاورز، ۱۳۹۳). از این رو، با توجه به آیات، روایات و نظریات اندیشمندان مسلمان، می‌توان رفاه را به‌عنوان هدف نهایی نظام اقتصادی اسلام دانسته و اهدافی چون رشد، امنیت، عدالت و غیره را به‌عنوان اهداف میانی در جهت رسیدن به این هدف عالی در نظر گرفت.

بانک مرکزی نیز که وظایف بسیار مهمی در نظارت بر سیستم بانکی و کنترل نقدینگی، پدیده‌ها و شاخص‌های اقتصادی بر عهده دارد، در واقع نبض سیستم پولی، اعتباری و مالی که نبض اقتصاد جامعه می‌باشد، در دست اوست. سیاست‌های پولی و اعتباری به‌موقع بانک مرکزی، به ایجاد ثبات در اقتصاد و رونق در تولید و حفظ ارزش پول ملی انجامیده و جامعه را از رکود و تورم حفظ می‌نماید. این در واقع فراهم کردن شرایط و زمینه، برای ایجاد رفاه توسط دولت و حکومت در جامعه می‌باشد. برقراری رفاه عمومی که به‌عنوان هدف غایی و نهایی نظام اقتصادی اسلام شناخته شد، در سایه ثبات اقتصادی میسر است. این ثبات، ثمره اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری مناسب و به‌موقع بانک مرکزی می‌باشد. در این راستا، دولت و بانک مرکزی می‌توانند از یک سو، با سوق دادن سیاست‌های اعتباری در جهت تخصیص اعتبار برای رونق تولید و حمایت از بنگاه‌های تولیدی زودبازده و کوچک و کنترل آن، سیر دادن نقدینگی در جهت افزایش تولید و توزیع صحیح و عادلانه ثروت در جامعه، به ارتقاء عمومی سطح رفاه و ایجاد رفاه عمومی کمک کند. می‌توان گفت: با توجه به نقش مهم بانک مرکزی در کنترل شاخص‌های کلیدی اقتصاد، مانند تورم و سوق دادن نقدینگی به‌سوی تولید و کم کردن نرخ بیکاری، بیشترین و مهم‌ترین نقش را در ایجاد ثروت و بالا بردن سطح رفاه عمومی جامعه و اقتصاد ایفا می‌کند.

### ۳. مصالح جامعه و سیاست‌های پولی و اعتباری

بانک مرکزی، با اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری در راستای اهداف خویش، در جهت ایجاد ثبات در اقتصاد و هدایت نقدینگی به‌سوی تولید و ایجاد رونق در اقتصاد، باید مصالح جامعه و مصلحت عالی در جامعه اسلامی را که عبارت از سعادت جامعه باشد، در نظر گرفته و در جهت نیل به این هدف و مصالح و مصلحت عالی نظام اقتصادی اسلام که رفاه عمومی جامعه است، تلاش کند. همچنین، در جهت رسیدن به مصلحت عالی جامعه اسلامی (سعادت) و مصلحت عالی نظام اقتصادی اسلام (رفاه عمومی)، مصالح میانی و عملیاتی را مدنظر گرفته و سیاست‌های پولی و اعتباری خویش را برای رسیدن به مصالح میانی (واسطه‌ای)، جامعه اسلامی (امنیت، عدالت و رشد) و در نتیجه، مصالح مقدماتی (عملیاتی)، برای رسیدن به مصالح میانی جامعه، تنظیم و تدارک ببیند. بانک مرکزی، می‌تواند با کنترل شاخص‌ها و معیارهای پولی و اعتباری و نظارت بر عملکرد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و بازارهای مالی، با اعمال سیاست‌های مناسب و به‌موقع، در ایجاد مصالح عملیاتی برای رسیدن به مصالح میانی مصلحت عالی نظام اقتصادی (رفاه عمومی) بکوشد. همچنین، با اجرای سیاست‌های مناسب، در جهت جمع‌آوری نقدینگی سرگردان موجود در جامعه و هدایت آن به بخش تولید، به رشد تولید کالاها و خدمات موردنیاز جامعه و ایجاد اشتغال کامل و تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها، به‌عنوان مصالح و اهداف عملیاتی نظام اقتصادی اسلام، اولاً و در جهت ایجاد امنیت، عدالت و رشد به‌عنوان مصالح و اهداف میانی آن نظام ثانیاً و در جهت ایجاد رفاه عمومی، به‌عنوان مصلحت و هدف عالی آن نظام و نهایتاً سعادت جامعه کمک کند.

تمامی این شرایط، از مطابقت با احکام و قوانین فقهی (ربوبی، غرری، ضرری و اکل مال به باطل نبودن) و

شرایط مطابقت با اهداف و مبنای نظام اقتصادی اسلام (عدالت اجتماعی و اقتصادی، رفاه و مصالح جامعه)، در راستای انجام بندهای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، بخصوص بندهای ۹ و ۱۹ می‌باشد. چنان‌که گسترش عدالت، رفاه عمومی، تقویت بخش واقعی اقتصاد، سالم و شفاف‌سازی بخش پولی و بانکی، در بندهای سیاست‌های ابلاغی به این امور تصریح دارند (سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی).

### شرط مقاوم‌سازی سیاست‌های پولی و اعتباری

با توجه به آنچه گفته شد، سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، باید در چارچوب شریعت اسلام و بر اساس قواعد و مبنای فقهی بوده و مطابق با شرایط اقتصادی کشور جمهوری اسلامی ایران، در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی طراحی و اجرا شود، تا بتواند وظایف محوله خویش را کامل و بدون خطا انجام داده و ایران را به اهداف اقتصادی و اجتماعی والای خویش برساند.

سیاست‌های پولی و اعتباری که تمامی خصوصیات اسلامیت را دارد، در صورتی در راستای مقاوم‌سازی اقتصاد می‌باشد که دارای خصوصیات مقاوم بودن و پویایی در شرایط تحریم و در مقابل، هجمه‌های اقتصادی و شوک‌های خارجی، یا ناشی از اقتصاد جهانی باشد. بنابراین، سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، باید بخش‌های پولی و اعتباری را به‌گونه‌ای مدیریت کند که به توانمندی اقتصاد و قطع وابستگی انجامیده و التهابات پولی و اقتصادی جهانی، آن را از اهداف خویش در راستای ایجاد رشد متعادل بخش پولی و بخش واقعی اقتصاد باز ندارد. بنابراین، می‌توان گفت: سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، باید دارای خصوصیتی باشد تا ما را به اهداف تعیین شده در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و اهداف سیاست‌های پولی و اعتباری برساند. این خصوصیات عبارتند از:

### الف. در راستای حفظ ثبات اقتصاد ملی (ثبات اقتصاد کلان جامعه اسلامی)

بانک مرکزی، به‌عنوان متولی کنترل و ثبات اقتصادی، شاخص‌های مهم اقتصادی را بررسی نموده و اقتصاد را به حالت ثبات نگه داشته و به‌عنوان یک نهاد مستقل و بی‌طرف، به پویایی اقتصاد اهمیت داده و از جانبداری به نفع بانک‌ها و دولت پرهیز می‌کند. در این راستا، سیاست‌های نادرست و یا جانبدارانه، منجر به کاهش ارزش پول ملی، تورم و افزایش سطح قیمت‌ها می‌گردد. این عمل، به‌عنوان عامل اصلی در فقر و آسیب‌پذیری اقشار کم‌درآمد، موجب ایجاد شکاف طبقاتی بین اقشار جامعه گردیده و اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر را به فقر بیشتر و اقشار پردرآمد را مرفه‌تر می‌نماید و جامعه را از عدالت، به‌معنای برابری در استفاده از فرصت‌ها دور می‌کند. ایجاد افزایش در پایه پولی، به‌عنوان پول پر قدرت توسط بانک مرکزی و به‌تبع آن، خلق پول با ضریب تکاثری توسط نظام بانکی، بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی جامعه و عدم ظرفیت کافی برای جذب نقدینگی، منجر به افزایش مداوم تورم گردیده و جامعه را به‌سوی بی‌عدالتی سوق می‌دهد. بانک مرکزی، با هدایت صحیح سیاست‌های پولی و اعتباری با تدبیر بلندمدت و سیاست راهبردی (مقام معظم رهبری، ۳۰/اسفند/۹۲)، در سیاست‌های پولی و اعتباری، به کاهش وابستگی به نفت (همان)، کاهش واردات بی‌رویه (همان)، جلوگیری از تورم مزمن (همان)، کاهش بیکاری (همان)،

در جهت حفظ، تثبیت و تقویت سطح ثبات اقتصاد ملی و اقتصاد کلان جامعه اقدام نموده و اقتصاد کشور را به اقتصادی مقاوم در برابر آسیب‌ها و تنش‌ها نزدیک می‌نماید.

### ب. ایجاد و تقویت شفافیت در نظام پولی - مالی و اقتصاد

بند نوزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری و سایر قوانین و مقررات بخشی، قوای نظام را ملزم به شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و غیره می‌کند. این عدم شفافیت در اقتصاد، موجب فساد اداری، اقتصادی و مالی و همچنین، امکان‌ناپذیری برنامه‌ریزی صحیح و جامع اقتصادی و متناوب بودن سیاست‌ها در اقتصاد گردیده است. شفافیت بخش پولی و مالی در نظام بانکداری و اقتصاد، علاوه بر اینکه نیازمند اتخاذ قوانین و مقررات دقیق و پیشگیرانه می‌باشد، نیازمند اتخاذ سیاست‌ها و نظارت‌های دقیق بانک مرکزی می‌باشد. از این رو، رهبر معظم انقلاب سامان دادن به نظامات پولی، مالی، بانکی و گمرکی در جهت ایجاد و تقویت شفافیت در نظام پولی و مالی و اقتصاد ملی را به‌عنوان یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی بیان می‌کند (همان). بانک مرکزی و سایر نهادها، با شفاف‌سازی باید اطلاعات اقتصادی را برای فعالان بخش خصوصی شفاف کنند. این امر، زمینه لازم را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌سازد تا آنها به این اطمینان برسند که هیچ فردی، نمی‌تواند به‌صورت شخصی و با ایجاد ارتباط‌های فراقانونی در منابع مالی و بانکی کشور دخالت کند و در اطلاعات اقتصادی کشور شفافیت وجود دارد.

### ج. همسویی با تقویت پول ملی

دستور و سفارش مقام معظم رهبری، به تقویت پول ملی، به جهت و در راستای تقویت اقتصاد مقاومتی در کشور می‌باشد (همتی، ۱۳۹۷/۱۷/آذر). هر آنچه در جریان تورمی مؤثر، جریان تورمی را کنترل و ایجاد ثبات اقتصادی در ارتباط با قیمت‌ها می‌کند، می‌تواند ارزش پول ملی را نیز تقویت کند. پس، ثبات و پایداری قیمت‌های داخلی، از عوامل بسیار تأثیرگذار در حفظ ارزش داخلی پول ملی است. بنابراین، عوامل و شرایط مؤثر در حفظ ارزش و تقویت پول ملی را می‌توان این‌گونه برشمرد: کنترل هزینه‌ها برای کنترل جریان تورم، کنترل نقدینگی، کاهش هزینه‌های تولید، تسهیل حوزه کسب‌وکار، بهبود بهره‌وری عوامل تولید، بهبود شرایط بخش خارجی، لزوم مدیریت رابطه ریال با ارزهای خارجی، لزوم پیاده‌سازی سیاست‌های بهبود توسعه صادرات، برای تقویت ارزش خارجی پول ملی، تبدیل تهدید به فرصت با کسب منفعت از کاهش ارزش پول ملی در بخش خارجی.

### د. تقویت بخش واقعی اقتصاد و برقراری رشد متوازن بین بخش پولی و بخش واقعی

هدایت نقدینگی به بخش واقعی اقتصاد و اولویت مؤسسات و بانک‌های تخصصی، متولی تأمین اعتبار برای تولید کالاها و خدمات نسبت به بانک‌ها و مؤسسات دیگر، در راستای تقویت بخش واقعی اقتصاد و مقاوم‌سازی اقتصاد می‌باشد. در نگرش اقتصاد مقاومتی، سازوکار اقتصاد از راه تعامل و معاشرت بخش واقعی و بخش پولی است که

خواسته‌های بخش پولی را به بخش واقعی می‌برد و به‌عکس؛ چراکه این، یکی از خصوصیات مقاوم‌سازی است. ابزارهای سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، باید نقدینگی را به بخش واقعی اقتصاد سوق داده و در جهت رونق تولید باشد. در نتیجه، نقدینگی را از بخش سفته‌بازی و بخش غیرواقعی اقتصاد خارج کند. در صورتی که ابزار سیاست پولی، به‌عکس این هدف عمل نماید، اقتصاد را شکننده و از مقاوم‌سازی دور می‌کند. نقدینگی در جامعه، مانند خون در بدن انسان عمل می‌کند که در صورت گردش صحیح و تزریق به بخش واقعی، مایهٔ حیات جامعه، رونق تولید، ایجاد اشتغال، ایجاد رشد اقتصادی و افزایش سطح رفاه در جامعه می‌شود و در صورتی که به بخش غیرواقعی هدایت شود، موجب ایجاد تورم و افزایش سطح قیمت‌ها، بیکاری و غیره می‌گردد.

#### ه. کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد صرفه اقتصادی تولید با کاهش هزینه سود سرمایه

ابزار سیاست پولی و اعتباری بانک مرکزی، در صورتی که موجب کاهش هزینه سود سرمایه نقدی برای بخش تولید شود، در راستای اقتصاد مقاومتی است. به عبارت دیگر، در این صورت با کاهش هزینه تولید و هزینه عوامل تولید، مانند سرمایه در جهت رونق تولید قدم برداشته و موجب ورود سرمایه‌گذاران بیشتر در بخش تولید و رونق بخشیدن به تولید کالاها و خدمات در داخل کشور شده و کاهش هزینه‌ها، موجب تقویت و عدم تعطیلی بنگاه‌های تولیدی می‌شود. چنان‌که بالا بودن هزینه‌های تولید در یک فعالیت اقتصادی، منجر به شکننده بودن ادامه حیات آن بنگاه، با ایجاد فشارها، تحریم‌ها و کمبود بودجه بخش تولید، می‌گردد.

#### و. اولویت‌دهی افزایش سطح رفاه عمومی مردم به‌عنوان هدف نهایی نظام اقتصادی اسلام

چنان‌که بیان شد، رفاه عمومی جامعه از اهداف نهایی در شروط تاب‌آوری و اسلامی بودن است. هر ابزار و سیاستی که در هدف عالی خویش، سطح رفاه عمومی اقتصاد را افزایش داده و در سطح میانی، به تقویت هدف‌های امنیت، عدالت اقتصادی و اجتماعی انجامیده و پیش‌نیازهای اساسی برای فراهم‌سازی شرایط حفظ پایداری بودجه دولت، تأمین پایداری بخش خارجی اقتصاد و ثبات مالی، همراه با در نظر داشتن ارتباط متقابل هر سه موضوع را تأمین نماید، توزیع منابع، ثروت و درآمد در جامعه را به عدالت نزدیک نموده، با ایجاد و تقویت رفاه عمومی جامعه، در راستای اقتصاد مقاومتی می‌باشد (سیف، ۱۸/دی/۱۳۹۵).

#### ز. تأمین مصالح عمومی

سیاستی در راستای اقتصاد مقاومتی می‌باشد که در راستای تأمین مصالح عمومی و نه در راستای تأمین امیال و اهداف احزاب و مؤسسات دولتی و تأمین اعتبار برای شرکت‌ها، مؤسسات و نهادهای دولتی باشد. از آنجاکه تعیین ریاست بانک مرکزی در قوانین فعلی کشور با ریاست قوه مجریه می‌باشد، در بعضی مواقع، ممکن است دولت‌ها به بانک مرکزی و مسئولان آن نگاه یک نهاد تأمین‌کنندهٔ نیازها و ملجائی برای حل مشکلات داشته باشند. در این صورت، ممکن است مصالح نظام و جامعه اسلامی ایران را در مقابل مصالح و خواسته‌های دولت وقت فدا نموده و



جامعه را دچار مشکل اقتصادی کند. از سوی دیگر، اعطای مهم‌ترین حق حاکمیتی به شبکه بانکی که همان قدرت خلق پول و اعتبار است، دلیل اصلی بر نظارت بانک مرکزی در اهداف، وظایف و فعالیت‌های شبکه بانکی است. انجام صحیح این وظیفه موجب می‌شود که اقتصاد در مسیر رشد و قوام قدم بردارد. بنابراین، در صورتی که بانک مرکزی از شبکه بانکی مستقل نباشد، بانک‌ها با اعمال نفوذ و قدرت، سیاست‌های بانکی را به نفع خود تغییر داده و از مجوزهای حاکمیتی، از جمله مجوز خلق پول در راستای منافع سهامداران خود استفاده می‌کنند.

### تطبیق معیارهای پیشنهادی بر ابزارهای سیاست‌های پولی

در مقام اجرای سیاست پولی، استفاده از ابزارهایی اولویت دارد که با معیارهای سیاست پولی در اقتصاد مقاومتی، بیشترین سازگاری را داشته باشد. بر این اساس، ابزار مورد استفاده، نه تنها باید مطابق شریعت بوده و اهداف مدنظر از اعمال سیاست پولی را در مقام عمل تأمین کند، بلکه باید موجب تقویت تاب‌آوری مورد نظر در اقتصاد مقاومتی شود. از این رو، معرفی ابزار سیاست پولی و اعتباری در اقتصاد مقاومتی، نیاز به بررسی تک‌تک ابزار و سنجش آنها با اسلامیت و تاب‌آوری دارد.

این بررسی را می‌توان برای نمونه، در مورد ابزارهای مورد استفاده در عملیات بازار باز و شبه‌بازار باز صورت داد. همان‌گونه که بیان می‌شود، ابزارهای اسلامی عملیات مزبور می‌توانند با رعایت ضوابط شریعت به تقویت مقاومت و تاب‌آوری اقتصادی کشور کمک کنند. در این راستا، ابزارهایی همچون اوراق مرابحه دولت، اوراق استصناع دولت، اوراق اجاره به شرط تملیک دولت و بانک مرکزی، اوراق اسناد خزانه اسلامی دولت، اوراق بیع دین بانک مرکزی، اوراق مضاربه، اوراق مشارکت و اوراق ودیعه بانک مرکزی پیشنهاد شده است. این ابزارها بر اساس مشخصات و معیارهای اقتصاد مقاومتی، بعضی بر دیگری اولویت دارند.

در «اوراق مرابحه دولت»، با خرید اقالام مصرفی مورد نیاز دولت، تحریک طرف تقاضا و مصرف، به صورت غیرمستقیم، به تولید و افزایش عرضه کالاها کمک کرده و موجب تقویت بخش مبادله‌ای واقعی می‌شود. در این عملیات، اقدام به خرید کالاهای واسطه‌ای برای شرکت‌های تولیدی، موجب تقویت تولید می‌شود. «اوراق استصناع دولت» نیز موجب رشد همزمان بخش واقعی اقتصاد همراه با بخش پولی، افزایش اشتغال و تقویت بخش واقعی اقتصاد می‌شود.

در «اوراق اجاره به شرط تملیک دولت و بانک مرکزی»، عملاً بخش پولی با بخش واقعی اقتصاد درگیر شده و سرمایه نقدی برای انجام پروژه‌های اقتصادی دولت و شرکت‌های تابعه فراهم می‌شود. این اقدام موجب رونق تولید می‌شود.

«اوراق مضاربه» منتشر شده، برای تأمین کسری بودجه دولت، برای تهیه کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی ضروری مردم است. انتشار این اوراق، به معنی تأمین کسری بودجه از نقدینگی موجود و عدم تأمین آن، از طریق افزایش پایه پولی و استقرار از بانک مرکزی است. این اقدام، در راستای تأمین منافع عمومی و تثبیت اقتصاد کلان جامعه است. این اوراق، با پیوند بیشتر بخش پولی با بخش خدمات و بازرگانی، علاوه بر ایجاد رشد متعادل و

هم‌زمان بخش پولی و حقیقی، به ایجاد رونق در اقتصاد، افزایش سطح اشتغال و رفاه عمومی می‌انجامد. همچنین، «اوراق مشارکت» با مشارکت دادن سطح وسیعی از جامعه در تولید کالاها و خدمات و همچنین، با توزیع ثروت و ارزش‌افزوده بین ایشان، به افزایش سطح رفاه عمومی و عدالت کمک می‌کند.

«اوراق اسناد خزانه اسلامی دولت» نیز با تأمین بودجه موردنیاز دولت از نقدینگی موجود، دولت را از استقرار از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی بی‌نیاز می‌کند. انتشار این اوراق، علاوه بر تأمین نیازهای سرمایه‌ای دولت برای انجام یا تکمیل پروژه‌های اقتصادی دولتی، ایجاد رونق تولید، کاهش تورم، و افزایش اشتغال، به ایجاد ثبات در اقتصاد کلان جامعه کمک می‌کند.

گرچه «اوراق ودیعه بانک مرکزی» و «صکوک بیع دین بانک مرکزی»، ظاهراً با بخش تولید و بخش واقعی مرتبط نیستند، ولی این ابزارها در راستای تثبیت در نظام پولی، نظام اقتصاد کلان جامعه، ایجاد عدالت، امنیت و رفاه عمومی می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

یکی از شرایط تحقق اقتصاد مقاومتی و ثبات اقتصادی، طراحی و استفاده از سیاست‌های پولی و اعتباری مناسب، توسط بانک مرکزی است. در این مقاله، با استفاده از روش تحلیلی، به بررسی خصوصیات و معیارهای سیاست پولی و اعتباری بانک مرکزی در اقتصاد مقاومتی پرداختیم.

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری در اقتصاد مقاومتی از یک سو، مستلزم مطابقت با احکام و اهداف اسلامی و از سوی دیگر، منوط به توانایی آن سیاست‌ها در کمک به مقاومت و تاب‌آوری نظام اقتصادی است. براین اساس، سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، باید در چارچوب احکام و مقاصد شریعت اسلام و با هدف تقویت مقاوم‌سازی اقتصاد کشور طراحی و اجرا شوند. از این رو، سیاست‌های پولی و اعتباری که تمامی خصوصیات اسلامیت را دارد، در صورتی به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک می‌کنند که دارای خصوصیت مقاوم بودن و پویایی در شرایط تحریم و در مقابل حجمه‌های اقتصادی و شوک‌های خارجی، یا ناشی از اقتصاد جهانی باشد.

با توجه به دو معیار اسلامی بودن و تاب‌آوری (مقاوم‌سازی)، ابزارهای سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشند. این سیاست‌ها، باید در راستای حفظ و تقویت ثبات اقتصاد ملی، تقویت بخش واقعی اقتصاد، رشد متوازن بخش پولی و بخش واقعی، ایجاد و تقویت شفاف‌سازی در اقتصاد و نظام پولی - مالی، اولویت‌دهی افزایش سطح رفاه عمومی مردم، به‌عنوان هدف نهایی، کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد صرفه تولید، تقویت پول ملی و تقویت استقلال بانک مرکزی قرار گیرند. این معیارها، از جمله مهم‌ترین سنجه‌های بایسته توجه در طراحی و اجرای ابزارهای پولی و اعتباری بانک مرکزی در اقتصاد مقاومتی است.

- نهج البلاغه، ۱۳۵۱، ترجمه فیض الاسلام، بی‌جا، بی‌نا.
- اسدی، علی، ۱۳۹۳، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ش ۵، ص ۲۵-۳۹.
- ایروانی، جواد، ۱۳۹۳، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ، ۱۳۹۴، *پول و بانکداری اسلامی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- آریا، کیومرث، ۱۳۸۵، *سیاست‌های پولی و ارزی اولویت‌ها و گرایش‌ها*، تهران، کویر.
- پایگاه اطلاع رسانی دولت: [www.dolat.ir](http://www.dolat.ir).
- توتونچیان، ایرج، ۱۳۷۵، *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی.
- توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۵، «اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک اندیشه اسلامی»، *پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی*، ش ۱، ص ۱۵-۵۳.
- داودی، پرویز و حسین صمصامی، ۱۳۸۸، *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- سایت مقام‌معلم رهبری: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir).
- سبزواری، ملاحادی، ۱۳۷۵، *شرح الاسماء الحسنی*، تهران، نجفقلی حبیبی.
- سیف، ولی‌الله، ۱۳۹۵/۱۰/۱۸، «بررسی و ارزیابی عملکرد بانک مرکزی در اقتصاد مقاومتی»، پایگاه اطلاع رسانی دولت: [www.dolat.ir](http://www.dolat.ir).
- عبدالملکی، حجت‌اله، ۱۳۹۷/۰۲/۲۴، [www.meftaah.com/?p=4169](http://www.meftaah.com/?p=4169).
- فراهانی‌فرد، سعید و محسن کشاورز، ۱۳۹۳، «بررسی تجربی اهداف نظام اقتصادی اسلام در اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۱۳، ص ۷-۳۰.
- فراهانی‌فرد، سعید، ۱۳۷۸، *سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فرجی، یوسف، ۱۳۸۰، «بررسی تطبیقی کارایی ابزارهای سیاست پولی در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول»، در: *مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی (ابزارهای تأمین مالی و ابزارهای سیاست پولی)*، مؤسسه عالی بانکداری ایران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- کشاورزبان پیوستی، اکبر، ۱۳۸۳، «بررسی عملکرد ابزارهای سیاست پولی در ایران»، *بانک و اقتصاد*، ش ۴۶ و ۴۷، ص ۳۴-۳۷.
- کیمیجانی، اکبر، ۱۳۷۴، *سیاست‌های پولی مناسب جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی*، تهران، وزارت امور اقتصاد و دارایی.
- گرمایی، حسن علی، ۱۳۹۶/۰۳/۰۹، [www.iribnews.ir/006wEY](http://www.iribnews.ir/006wEY).
- موسوی، سیدجمال‌الدین، ۱۳۸۰، *علائق اجتماعی در اسلام*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- موسویان سیدعباس و علی نظری، ۱۳۹۲، «الگوی مطلوب ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی»، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ش ۲، ص ۲۶-۷.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۷۷، «بررسی فقهی - اقتصادی بازار ثانویه سپرده‌های مدت‌دار در بانکداری بدون ربا»، در: *مجموعه مقالات نهمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری*.
- ، ۱۳۸۸، «صکوک مابجه ابزار مالی مناسب برای بازار پول و سرمایه اسلامی»، *جستارهای اقتصادی*، ش ۱۱، ص ۹-۳۱.
- موسویان، سیدعباس و حرمت‌الله رضانزاده، ۱۳۹۶، *فقه معاملات بانکی*، قم، زمزم هدایت.
- موسویان، سیدعباس و حسین میثمی، ۱۳۹۶، *بانکداری اسلامی (۲)*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۰، «مشارکت مجدد جایگزین تنزیل مجدد»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳، ص ۷۵-۹۰.
- مهدویان، محمدهادی، ۱۳۸۰، «ابزارهای سیاست پولی در نظام بانکداری اسلامی، بررسی تطبیقی کارایی ابزارهای سیاست پولی در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول»، در: *مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی (ابزارهای تأمین مالی و ابزارهای*

سیاست پولی، مؤسسه عالی بانکداری ایران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.  
میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۹۱، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)» *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۷، ص ۷۶-۴۹.

\_\_\_\_\_، ۱۳۹۳، *عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.  
میشکین، فردریک، ۱۳۹۰، *اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی*، ترجمه احمد شعبانی، تهران، دانشگاه امام صادق ع.  
نظرپور، محمدنقی و سیدعباس موسویان، ۱۳۹۳، *بانکداری بدون ربا از نظریه تا تجربه*، قم، دانشگاه مفید.  
نظرپور، محمدنقی، ۱۳۹۲، *عقد و اوراق استصناع: کاربردهای استصناع در بازارهای مالی اسلامی*، قم، دانشگاه مفید.  
\_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، «اوراق بهادار استصناع (سفارش ساخت) ابزاری برای سیاست پولی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۰، ص ۸۱-۱۱۰.  
هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی، ۱۳۹۱، «بررسی پدیده اعتیاد مجازی در بین نوجوانان و جوانان استان قم»، *علوم اجتماعی*، ش ۵۷، ص ۱-۳۶.

همتی، عبدالناصر، ۱۳۹۷/۰۹/۱۷، [www.mehrnews.com/news/4479179](http://www.mehrnews.com/news/4479179)

یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۴، «عدالت اقتصادی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۷، ص ۹۵-۱۱۲.

\_\_\_\_\_، ۱۳۹۷/۰۲/۲۴، [www.meftaah.com/?p=4169](http://www.meftaah.com/?p=4169)

John Eatwell, Murray Milgate & Peter Newman, 1987, *The New Palgrave; A Dictionary of Economics*, The MacMillan Press Limited.

[www.iribnews.ir](http://www.iribnews.ir)